



۴۰ جلوه از سیره پیامبر مهربانی

متن زیر، مروری بر چهل جلوه سیره پیامبر مهربانی(ص) در زمینه‌های فردی، اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی به نقل از کتاب «محمد(ص)؛ رحمه للعالمین» است.

متن زیر، مروری بر چهل جلوه سیره پیامبر مهربانی(ص) در زمینه‌های فردی، اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی به نقل از کتاب «محمد(ص)؛ رحمه للعالمین» است.

محمد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به گزارش ایکنا از خوزستان، کتاب «محمد(ص)؛ رحمه للعالمین» به قلم مرضیه محمدزاده، پژوهشگر تاریخ اسلام از جمله آثاری است که امسال با موضوع سیره پیامبر مهربانی، منتشر شده است.

این کتاب که در چهار فصل(قبل از بعثت، بعثت تا هجرت، هجرت تا رحلت و سیره رسول الله(ص)) تدوین شده تلاشی است تا الگوی عملی شخصیت والای پیامبر اکرم(ص) را در زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با قلمی ساده و روان نشان دهد.

به اعتقاد نویسنده، سیره پیامبر(ص) عبارت از نوع تفکر، نقش و عملکرد و سلوک آن حضرت در دوران نبوت و رسالت است و در فصل چهارم با طرح این سیره در موضوعات مختلف زندگی رسول الله(ص) کوشیده نوع تفکر و سلوک آن حضرت را نشان دهد. این متن مروری بر چهل جلوه درخشان از سیره پیامبر مهربانی(ص) در زمینه‌های فردی، اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی به نقل از این کتاب است که در ادامه می‌خوانید:

۱. همواره از عطر استفاده می‌کرد و بوی خوش داشت و به آن شناخته می‌شد. بیش از آن مقداری که برای خوراک پول می‌داد برای عطر پول می‌پرداخت.

۲. رسول الله(ص) در پوشیدن لباس از رنگ‌های روشن استفاده می‌کرد؛ سفید، سبز، زرد، قرمز و از اصحابش نیز می‌خواست از این گونه رنگ‌ها استفاده کنند. بیشتر لباس‌های حضرت به رنگ سفید بود.

۳. پیامبر(ص) چون مخاطب کسی قرار می‌گرفت به او با تمام سر و گردن می‌نگریست و در برخورد با دیگران به علامت یگانگی و صمیمیت با تمام بدن روبرو می‌شد.

۴. پیامبر(ص) با تبسم سخن می‌گفت. از نمودهای حسن خلق، آمیختن سخن با لبخند است. هم جاذبه می‌آفریند هم سخن را دلنشین‌تر می‌سازد. سخن گفتن پیامبر آمیخته به تبسمی ملیح و دلنشین بود.

۵. وقتی به سخن آغاز می‌کرد همنشینانش چنان سر خود را پایین انداخته، بی حرکت می‌نشستند که گویی پرنده بر سرشان نشسته است. کلام پیامبر(ص) الفت بخش و وحدت آفرین بود، نه عامل تفرقه و موجب بددلی و کدورت افراد نسبت یکدیگر.

۶. نشستن رسول الله(ص) در مجالس تواضع توأم با وقار بود. تکیه نمی‌داد. بیشتر اوقات رو به قبله می‌نشست.

۷. هرگاه می‌خواست بخواب وضو می‌گرفت و هنگام خواب می‌فرمود اللهم بسمک احیی و بسمک اموت و چون از خواب برمی‌خواست برای خدا سجده می‌کرد و او را شکر می‌گفت.

۸. در استفاده از غذاهای ساده و خوردنی‌هایی همانند غذای تهی‌دستان و نشستن و خوابیدن بر روی حصیر خشک چنان اصرار و دقت داشت که روزی عمر بن خطاب بر وی رقت آورد و از پیامبر(ص) خواست تا با عنایت به مقام و جایگاه خویش، قدری در شرایط و خورد و خوراک خویش تغییر دهد. پیامبر(ص) چون این دلسوزی را شنید پاسخ داد که ای عمر چه گمان کرده‌ای؟ آنچه می‌بینی نبوت است نه سلطنت.

۹. هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد.

۱۰. در باب نوع غذا سخت گیر نبود و هر غذایی را که فراهم بود میل می‌کرد.

۱۱. از هیچ منزلی کوچ نمی کرد مگر اینکه در آن منزل دو رکعت نماز می خواند و می فرمود این کار را برای این می کنم که این منازل به نمازی که در آن خوانده ام شهادت دهند.

۱۲. پیامبر(ص) در تنظیم زمان بازگشت از سفر طوری عمل می نمود که هنگام روز از سفر برگردند و به شب نخورند او به اصحابش می فرمود نیمه شبان در خانه های زنان را مکوبید.

۱۳. پیامبر(ص) هرگاه فرصتی می یافت مانند دیگر اصحاب به ورزش می پرداخت. گاهی پیامبر در مسابقات اسب سواری و شتردوانی شرکت می کرد و گاهی از حضرت درخواست می شد که در یک مسابقه داور باشند و آن حضرت هم می پذیرفتند.

۱۴. پیامبر(ص) هیچ گاه فریاد نمی زد، عیب کسی را آشکار نمی کرد و بیهوده از کسی ستایش نمی کرد. از آنچه میل نداشت یاد نمی کرد و هرگز تأسف و اندوهی برای امور عادی اظهار نمی کرد.

۱۵. پیامبر(ص) عنایتی خاص به سلام بر کودکان داشت تا به امت بیاموزد که شخصیت کودکان را باید پاس داشت.

۱۶. پیامبر(ص) همیشه خنده رو خوش خلق و ملایم بود.

۱۷. روابط اخلاقی و معاشرت های اجتماعی پیامبر(ص) با زنان صحابی، صمیمی و خالصانه بود. آن حضرت به خانه آنان می رفت و آنان را تکریم و تجلیل می نمود و گاهی با آنان مزاح می نمود. پیامبر نسبت به ام ایمن ملاطفت می نمود و با او مانند یک مادر به شوخی و گفتگو می پرداخت.

۱۸. در ماه رمضان از آغاز تا پایان بخشش آن حضرت به نقطه اوج می رسید.

۱۹. انس بن مالک می گوید پیامبر(ص) مهربان ترین فرد با مردم بود. به خدا سوگند ابایی نداشت که در بامدادی سرد، برای برده ای یا کنیزی یا کودکی آب بیاورد تا دست و رویشان را بشویند و به سخنانشان گوش می داد.

۲۰. در پایان غزوه احد وقتی مسلمانان چهره خونین رسول الله(ص) را مشاهده کردند گفتند قریش را نفرین کن. حضرت فرمود نه و دستهایش را به سوی آسمان بلند کرد که خدایا قوم مرا هدایت کن آنان نمی فهمند.

۲۱. امام علی(ع) روایت می کند هرگاه سه روز می گذشت و یکی از اصحاب را نمی دید جویای حال او می شد.

۲۲. با آنکه دشمنان زیادی داشت در بین آنان تنها و بدون نگهبان رفت و آمد می کرد. هیچ امری از امور دنیا ایشان را به حول و هراس در نمی آورد. در جنگ ها همیشه در خط مقدم بود.

۲۳. پیامبر(ص) با شجاعت تمام نامه های دعوت به اسلام را به ابرقدرت های زمان خود فرستاد و هیچ واژه به خود راه نداد.

۲۴. در حال خشم و رضا یکسان سخن می گفت نه خرسندی، او را به گزافه گویی و تملق می کشاند و نه عصبانیت او را از مرز حق بیرون می برد.

۲۵. تواضع پیامبر(ص) آنچنان بود که همگان خود را نزد پیامبر محبوب می دیدند.

۲۶. پیامبر(ص) خوش نداشت که کسانی پشت سرش راه بیفتند و می فرمود این کار زمینه ساز کبر است. از دیگران بیگاری نمی گرفت.

۲۷. هیچ دقیقه ای از عمر شریفش را بیهوده و بدون عملی در راه خدا و یا کاری از کارهای لازم خویشتن نمی گذارد.

۲۸. بارها می فرمود برای من برنخیزید.

۲۹. پیوسته گشاده رو و نرم خوب بود و کسی از هم نشینی او دچار ضرر نمی شد. عیب مردم و مدح بسیار آنها را نمی کرد و اگر چیزی واقع می شد که با طبعش یکی نبود خود را به غفلت می زد.

۳۰. وقتی به مصیبتی و یا به ناملایمی برمی خورد امر را به خدا واگذار می کرد و از حول و قوه خویش تبری می جست و از خدا چاره می خواست.

۳۱. صداقت پیامبر(ص) نه تنها یاران و پیروان آن حضرت را شیفته ایشان نموده بود بلکه دشمنان نیز به این حقیقت اذعان داشتند.

۳۲. در ماجرای جنگ خیبر آذوقه سپاه اسلام تمام شد و در مضیقه قرار گرفتند، چوپانی از یهودیان را دیدند که گوسفندهای آنان را از بیابان به سوی قلعه ها می برد. خواستند آن گوسفندان را به غنیمت بگیرند. چوپان گفت اینها نزد من امانت است. پیامبر(ص) در برابر صدها سرباز گرسنه با صراحت فرمود در آیین ما خیانت به امانت یکی از بزرگترین جرم ها است. لازم است که همه گوسفندها را تا در قلعه ببری و به صاحبانشان برسانی. آن چوپان اسلام را پذیرفت. گوسفندان را به صاحبانشان سپرد و به سپاه اسلام پیوست.

۳۳. قدردانی پیامبر(ص) از کسانی که به نحوی در زندگی او نقش داشته اند بی نظیر است.

۳۴. پیامبر(ص) خدیجه(س) را دوست می داشت و احترام می کرد و بروی ثنا می گفت و عظمت و شأن او را یادآور می شد.

۳۵. رسول خدا(ص) با خانواده خود دوستانه رفتار می کرد. هیچگاه مستبد نبود و می فرمود بهترین شما آنانی هستند که با همسر و فرزندان خود به نیکی رفتار کنند و من از همه شما خوش رفتارترم.

۳۶. هنگامی که در حجت الوداع خواست رباخواری را در میان مردم باطل اعلام کند، برای اینکه عملاً به تبعیض در اجرای قانون خط بطلان بکشد ابتدا از عمومی خود عباس شروع کرد و هرچه عباس از بهره پول در ذمه مردم داشت باطل ساخت.

۳۷. اجرای قوانین اسلام را بر متجاوزان به حریم قانون بهتر از عبادت شصت سال و نیز برتر از بارش چهل شب باران بر زمین می دانست.

۳۸. در طول دوران نبوت خود بارها مردم را از خرافه گرایی و بدپرستی و انتساب امور طبیعی به غیب، آسمان و به طور کلی شخص پرستی و پیغمبرپرستی برحذر داشت.

۳۹. ایشان در اجرای قوانین به هیچ کس اجازه نمی داد خود را فراتر از قانون بداند و قوانین را درباره همه حتی خودش به طور مساوی اجرا می کرد.

۴۰. پیامبر(ص) در طول دوران رسالت خود از سوءاستفاده های اطرافیان و وابستگان جلوگیری کرد و به هیچکس از آنان اجازه نداد که به خاطر خویشاوندی و نزدیکی به ایشان برخلاف حق و قانون از امتیازی در جامعه برخوردار شود.

ایکنا